

# کایو دوستان مهدکودک



نوېسټنډه: سارا مارگارېټ چوهانساي



کایو صدای خنده ی بچه ها را شنید. او دلش می خواست بداند؛ بچه ها در مهد کودک چه کار می کنند.

کایو به دنبال مادرش وارد مهد کودک شد و به داخل نگاه کرد. او بچه ها را دید که بازی می کردند. اسباب بازی های زیادی هم آنجا بود. خانمی که در آنجا بود جلو آمد و گفت: سلام، من آنا، مربی بچه ها هستم. تو هم کایو هستی، درسته؟

